



۲۰۱۹/۰۲/۱۷



احسان الله مایار

## تشخیص و پیدایش یک ناجی

دوست محترم داکتر سید عبدالله کاظم چند روز قبل در فیسبوک وضع سیاسی و بحرانی امروزی افغانستان را مورد فحص و غور قرار داده که با صراحت لهجه خاص خود به عنوان زلمی خلیلزاد، نماینده وزارت خارجه ایالات متحده امریکا پیشنهاداتی نموده که از دید بنده در پاراگراف ایکه بعداً از نظر گزارش خواهد یافت، خلاصه شده می تواند.

مقدم گونه در نظر است که اذعان نمایم که جورج دبلیو بوش، رئیس پیشین امریکا و عده از همکاران وی بعد از سانحه ۲۰۰۱/۱۱/۹ قدمی بدون تأمل و تانی عمیق خود پیش گذاشتند و اجلاسی را در بن، پیترسبرگ اقامه نمودند که علایق امریکا توسط دو نفر از اتباع امریکا و مربوط وزارت خارجه ایالات متحده، آقایون زلمی خلیلزاد و دبنس، حمایه می شد. تا جائیکه به خاطر دارم، آقای دبنس در مجالس اشتراک ننموده، لیک آقای خلیلزاد فعال بوده و در اجلاس عمومی با نمایندگان چهار عضو در اجلاس اشتراک داشته و همچنان ضمن صرف طعام با نمایندگان و مشاهدین هر چهار گروه در باره چگونگی و پیشرفت امور مربوط و رویداد های روز صحبت می نمود.

صحبتی را به یاد دارم که بین مرحوم داکتر عزیز الله لودین و داکتر خلیلزاد رد و بدل شد که شنیدن آن بالای آقای خلیلزاد خوش نخورده و آنرا رد نمود. مرحوم لودین تقریباً با جملاتی که : شما منحصیث یک فرزند متولد در افغانستان به منصه عملی گردانیدن این پروگرام جفائی می کنید که هیچ بیگانه ننموده است".

کمال در دور اندیشی قشر روشنفکر افغان در جمله بالا مرحوم لودین به وضاحت می درخشد.

ما شاهدیم که مایحصل اجلاس بن به وجود آمدن و به قدرت رسیدن آقای حامد کرزی گردید. با تأسف عمیق، نسبت به ضعف مدیریت و ساخت و بافت ها و جور آمدی های عقب صحنه آقای کرزی منجر به بغرنج گردانیدن ساختار سیاسی افغانستان به نحوی مغلق گردیده که با وجود از تصور هر افغان دور، سرازیر شدن سیل آسای ملیارد ها دالر امریکائی و پشتیوانه ای بیش از ۱۳۰۰۰۰ قوای نظامی ۵۰ عضو ناتو به رهبری امریکا، زیر عنوان آیساف، آنچه امید می رفت به هدف رسانیده نشد.

چند روز قبل ضمن مرور اخبار آلمانی نامه از دفتر کانسلری، خانم انجلا میرکل، را مطالعه کردم که از متن آن پاراگراف ذیل را که توضیحات راپورتر است ترجمه نمودم که خود گویا است. در این پاراگراف لباب موقف آلمان توضیح گردیده که نزد سیاستمداران کشور هائیکه با قضیه افغانستان سر و کار دارند صدای زنگ هوشداری را بلند میکند. در پاراگراف یاد شده چنین می خوانیم:

"از اینکه حکومت فدرال آلمان چنین مکتوبی می نویسد و پارلمان کشور را از متن آن مطلع می گرداند، بیشتر از آن بوده می تواند تا اینکه نقش "زیمبولیک" را داشته باشد. در واقعیت می توان فاصله گرفتن دفتر کانسلر، وزارت خارجه و وزارت دفاع (آلمان) را از تصمیم بیرون کشیدن قوای نظامی و عده ترمپ (رئیس جمهور) امریکا مشاهده نمود. در عین حال رئیس جمهور امریکا را تدریس می نماید، که به رسیدن یک توافقنامه با طالبان و پیاده کردن صلح در افغانستان دشوار تر از آن است تا اعمار یک آسمان خراش (اشاره به سوابق کار ترمپ)"

Dass die Bundesregierung ein solches Papier verfasst und den Bundestag unterrichtet, ist mehr als Symbolik. Offensichtlich wollen sich Kanzleramt, Außenamt und Verteidigungsressort deutlich vom Abzugsversprechen Trumps distanzieren. Zugleich doziert man für den US-Präsidenten, dass ein Abkommen mit den Taliban und die Befriedung Afghanistans komplizierter sind, als einen Wolkenkratzer zu bauen.

قابل یاددہانی می دانم که بنده با مطالعه نوشته جناب داکتر کاظم بعضی مطالب توضیح شده شان را قابل تأمل بیشتر ارزیابی نموده و لیک با پیشنهاد ذیل شان که در پائین مینگارد بدون از کم و کاست در روش آن موافقت دارم.

"خلیلزاد بجای آنکه بر اشرف غنی فشار بیاورد تا در جمع چند گروه سیاسی دور میز مذاکره با طالبان بنشیند و حیثیت ریاست دولت را زیر پا بگذارد، باید گروه های سیاسی داخل کشور را تحت فشار قرار میداد تا با دولت افغانستان مذاکره نموده یک طرح مشترک را باهم تدارک دیده و بعد آن طرح از طریق دولت با طالبان مطرح گردد که در این حال هم نظر گروه های سیاسی در جهت آوردن صلح رعایت میشد و هم موقف قانونی دولت افغانستان به حیث یکطرف مذاکره برجا می ماند. خلیلزاد باید سعی میکرد از رفتن یک گروه غیرمتجانس به مسکو جلوگیری میکرد و یا حد اقل مخالفت خود را در سفر شان و مذاکره با طالبان ابراز میکرد."

در نظر ندارم خوانندگان گرامی را بیشتر از این منتظر مطالعه محتوی نوشت و خوان دوست محترم داکتر سید عبدالله کاظم نمایم، اینک شما و اینک توضیحات در فیسبوک مربوط:

Said Abdullah Kazem

۰۰ AM ۴:۰۶ at ۱۰ February

خلیلزاد میکوشد تا اشرف غنی را مجبور سازد تا مقام خود را از راس دولت افغانستان به حیث یک گروه سیاسی تنزیل دهد و با جمله گروه های نام نهاد سیاسی افغانستان به پابوسی طالبان برود و با آنها به مفاهمه و مذاکره بپردازد و تا آنوقت که نتایج این پا بوسی معلوم شود، انتخابات ریاست جمهوری ملتوی گذاشته شود. نمیدانم که آیا این نظر خلیلزاد و وارد کردن فشار بر اشرف غنی در واقع موجودیت یک دولت مستقل و دارای قانون اساسی و شناخت بین المللی را زیر سؤال نمی برد؟ آیا امریکائی ها که در طول ۱۷ سال گذشته از دست آوردهای خود در افغانستان مباحثات میکردند، همه را به یکبارگی ضرب صفر نمیکند؟ حکومت امریکا برای مردم خود چه جواب خواهد گفت که نتیجه مصرف ملیاردها دالر و خون بیش از ۲۵۰۰ جوان امریکائی را چرا به یکبارگی به هدر میدهند چرا باید از خاطر گل روی طالبان که در این ۱۷ سال در ردیف تروریستان جا داشتند، این ناکامی را درج صفحات تاریخ پر بار امریکا سازند؟ امریکا چه تضمینی دارد که نظام آیند افغانستان با اشتراک طالب

ها میتواند صلح پایدار را در افغانستان بوجود آورد؟ آیا امریکا از تجربه دردناک خود در ایران پند نگرفته است که از ترس افتادن ایران بدست چپی های توده ای، موافقه کردند تا خمینی را به آن کشور ببرند و اما پس از انقلاب اسلامی خود شاهد عقب گرد و روگرداندن آخوندها از امریکا و رجوع شان به مسکو - رقیب امریکا نبودند که تا امروز دشمنی آنها با امریکا ادامه دارد؟ آوردن طالب در افغانستان عین همان اشتباه است که امریکائی ها در مورد ایران انجام دادند. گروه های مخالف نظام موجود در افغانستان که به سرکردگی مداری بزرگ اکنون دور دهل طالبان در مسکو رقصیدند، باید یقین داشته باشند که وقتی طالب یکبار دیگر پای خود را در نظام کشور داخل کرد، همان کاری را خواهند کرد که در سالهای ۱۹۹۴ به بعد انجام دادند و این بار تصفیه را مثل ایران از همین گروه های مؤتلف خود آغاز خواهند نمود و اوضاع افغانستان را بدتر از ایران خواهند ساخت. نظام آخوندی ایران مستقل حرکت میکرد، اما نظام طالبی بعد از تصفیه شرکای خود به هدایت پاکستان عمل میکند و نتیجه اینکار خلیلزاد و طالب خواهی امریکا دیر یا زود منتج به عین رویدادها و بسیار بدتر از آن که در ایران بوقوع پیوست، در افغانستان خواهد شد. کانگرس امریکا باید با این بازی های خطیر اداره جاری از دقت و آینده نگری کار گیرد و نگذارد همه چرخها در دست خلیلزاد و قوماندان یک تعداد دیگر بچرخد و افغانستان و مردم آنرا که با خون خود برای امریکا لقب قهرمانی جنگ سرد را بار آورد، بار دیگر از نظر انداخته و زیر نگین همسایه طماع آن یعنی پاکستان قرار دهد. عاقل نکند کاری که باز آورد پشیمانی! خلیلزاد بجای آنکه بر اشرف غنی فشار بیاورد تا در جمع چند گروه سیاسی دور میز مذاکره با طالبان بنشیند و حیثیت ریاست دولت را زیر پا بگذارد، باید گروه های سیاسی داخل کشور را تحت فشار قرار میداد تا با دولت افغانستان مذاکره نموده یک طرح مشترک را باهم تدارک دیده و بعد آن طرح از طریق دولت با طالبان مطرح گردد که در این حال هم نظر گروه های سیاسی در جهت آوردن صلح رعایت میشد و هم موقف قانونی دولت افغانستان به حیث یکطرف مذاکره برجا می ماند. خلیلزاد باید سعی میکرد از رفتن یک گروه غیرمتجانس به مسکو جلوگیری میکرد و یا حد اقل مخالفت خود را در سفر شان و مذاکره با طالبان ابراز میکرد. خلیلزاد برعکس در اینکار خاموشی اختیار کرد و گمان میکرد که بدینوسیله میتواند اشرف غنی را زیر فشار بیشتر قرار دهد و یک نوع ائتلاف را بین طالبان و این گروه های نام نهاد سیاسی به وجود آورد. این احتمال نیز وجود دارد که خلیلزاد با خاموشی خواست کرزی را بگذارد به این اقدام متوسل شود تا بدانوسیله حیثیت باقی مانده کرزی را نزد مردم ضرب صفر کند و چنانچه مردم افغانستان از این نقش کرزی جداً متأثر معلوم میشوند و درعین زمان با دیگر کسانی که با همراه او شدند، نیز همین قضاوت در نزد مردم پیدا شده و موجب گردد تا اعتماد بر آنها نزد مردم به شدت کاسته شود. یقیناً سفر مسکو برای مبارزات انتخاباتی اشخاصی که کاندید ریاست جمهوری میباشند یک نقطه بسیار ضعیف بوده و موجب تقلیل اعتماد مردم بر آنها خواهد شد.

Rahin Daud

کاملاً فرموده هایتان دقیق است ، جناب داکتر صاحب معزز ، به سلامت باشین

Mir Ansari

داکتر صاحب ! گمان نمی رود که اینبار طالبان از یکه تازی چند دهه قبل صد فیصد بر خوردار شوند برای اینکه حال احزاب و سازمانهای اجتماعی همه باهم یک اداره را بارعایت انتخابات سراسری به پیش خواهند برد

مهم اینست که آتش جنگ خانمانسوز خاموش و بیش ازین انسان کشی و ویرانی در افغانستان قطع شود و یک نظام بهتر از گذشته در افغانستان رویکار آید که به اصطلاح نه سیخ بسوزد و نه کباب .  
نظر خود ام بود

Sophia Omar

جناب داکتر صاحب، شما بسیار زیاد از تاریخ افغانستان میدانید مگر راه و روش داکتر غنی منحصیث یک تکنوکرات با طرز حکومت داری اش از ابتدا تا حال خلاف تکنوکرات ها و خلاف راه حل منطقی برای ختم قدرت جنگسالاران/ جنگ و اعاده حیثیت برباد شده افغانستان است. در دور اول سازش او با قصاب ملت و در دوم باربانی زاده ها و .... سیلی محکمی به تکنوکرات ها نیست؟ دیده میشود به اصلاح همان آش است و همان کاسه. ایا ربانی بزرگترین فروخته شده به پاکستان نیست؟

Omar Zia

خانم سوفیه ، به کلی با شما همنظر استم و باید علاوه کنم که این آقای غنی بود که در ابتدای غصب قدرت به پا بوسی بادران طالبان به دفتر جنرالان پاکستان رفت . این آقای غنی بود که در کمپاین های انتخاباتی خود اعتراف کرد که وحشیان طالب را ازبند رها کرده و اگر انتخاب شود بیشتر شانرا رها میکند . این آقای غنی بود که نا رضایتی خود را ازاینکه بیشتر بندیان بگرام مربوط یک زبان اند نشان داد. این آقای غنی بود که طرز لباس طالبی و پاکستانی را پذیرفت. آقای غنی آنقدر تشنه قدرت است که اگر این وحشیان آماده صحبت با او شوند و او را به مقامش بپذیرند همه شرایط ایشانرا قبول خواهد کرد .

Omar Zia

داکتر صاحب محترم : میترسم باز هم باعث اذیت خاطر شوم و گر نه چند سوال بود که باید میشد.

Massoud Arsala

من با داکتر صاحب کاظم هم عقیده هستم. متأسفانه شرایط سیاسی افغانستان بسیار مغلق تر از آن است که بعضی ها تحلیل می کنند. من موجودیت این نظام و داکتر صاحب غنی را هزاران مرتبه بهتر از هر حکومت که جایگزین آن خواهد شد می دانم. متاثر هستم که بعضی دوستان خیلی چیز فهم هنوز هم در پی تنقید از پوشیدن لباس و یا طریق گفتار ایشان می باشند و دست آورد های این چهار سال که دور کردن اکثر دزدان تنظیمی، جاسوسان، و مرتجعین از حکومت و سوق دادن اکثر جنرالان ماشینی اردو و پولیس به تقاعدی، روی کار آوردن و سپردن پوست ها کلیدی به جوانان تحصیل کرده به شمول خانم ها، باز نمودن راه های ترانزیتی برای واردات و صادرات اموال به افغانستان (به عوض پاکستان)، شروع فعالیت بند های برق مختلف و غیره. البته در چهار سال با وجود جنگ های تحمیلی از طرف همسایه ها ، و مخالفت همه این تیکه داران که دست شان از بوجی پول گرفته شده است نمیتوان ازین اضافه توقع داشت. البته این به این معنی نیست که همه چیز گل و گلزار است، کمی و کاستی های زیاد و بعضی شخصیت های زیر سوال هنوز درین حکومت وجود دارد اما اگر با چهارده سال آقای کرزی با همه آن پول های کمکی و سهولت ها مقایسه شود بعد تفاوت را خواهید فهمید. به نظر بنده همه ما صلح و آرامی برای مملکت و مردم خود می خواهیم، و باید به هیچ وجه اجازه ندهیم تا اشخاص امتحان شده مانند طالبان، کرزی، و مجاهدین شمال و جنوب دوباره به کرسی قدرت بنشینند و سال ۱۹۹۰-۲۰۱۴ تکرار شود. با عرض حرمت.

Omar Zia

کشاورز صاحب ، اگر لطف نموده و Financial Affairs تاریخ ۲۳ جنوری را مطالعه کنید میدانید که در این ۴ سال حکومت آقای غنی ۵۲۷ بلیون دالر به کشور ما آمده است . واضح است که همه این ۵۲۷ بلیون دالر به حکومت افغانستان داده نشده ، مصارف خود شان هم بوده است حالا اگر فرض کنیم که ۵۰٪ آن به ما داده شده و هم فرض کنیم ۵۰٪ آنچه بما رسیده در فساد خود ما و Contractor امریکایی ها مفقود شده، ۱۳۲ بلیون باقی مانده را اگر بدست کدام ریس جمهور بیسواد هم داده میشد ، انکشافات به مراتب بیشتر ممکن بود. سپردن پوست ها کلیدی به جوانان تحصیل کرده به شمول خانم ها را در آخرین سال حکومت خود وقتی یگانه روزنه امید را درین امتحان دید . شروع کرد . کشاورز صاحب، حتماً متوجه شده اید که این شخص درین ۱۹ سال مستقیماً و یا غیر مستقیم ، روی پرده و یا عقب پرده در قدرت شریک بود. کرزی و غنی را از هم جدا کردن انتهای خوشبآوری، ساده لوحی و ساده دلی است . اگر ما واقعاً از آمدن طالب ترس داریم آیا این غنی نبود که پیشنهاد مذاکرات بدون هیچگونه قید و شرط را با طالبان فقط ۶ ماه قبل نمود . آیا غنی نبود که در قندهار افتخارانه اعتراف کرد که بندیان طالب را رها ساخته است ، اگر چه هنوز ریس جمهور نبود ، اما طوریکه عرض کردم در قدرت شریک بود . امید وارم شما وهم ارسال صاحب این گفته این حقیر را فراموش نکنید که اگر طالب با غنی داخل مذاکره شود تمام خواسته های طالبان قبول و در عمل اجرا خواهد شد اگر غنی را بمقامش بگذارند .

Abdul Wassé Bacharyar

شما کسانی که در خارج در رفاه زندگی میکنید از حال مردم داخل افغانستان خبر ندارید یا تجاهل عارفانه کرده از یک حکومت منفور و با تقلب گسترده در انتخابات پارلمانی دفاع میکنید که این تقلب در انتخابات ریاست جمهوری بیشتر میشود لطفاً نخست در داخل افغانستان بروید با مردم درد و رنج شانرا بکجا تحمل کنید بعد نظر بدهید

Said Abdullah Kazem

جناب داکتر صاحب بشریار نمیدانم شما از چه وقت بدینسو به وطن تشریف دارید؟ تا جائیکه واضح است جناب شما در این چند ماه اخیر به وطن رفته و میخواستید کاندید ریاست جمهوری باشید که نشد، همانطوریکه قبلاً برای شما گفته بودم. بهرحال امروز از برکت تکنالوژی جدید جهان بیک قریه تبدیل شده و یک حرفی که گفته میشود، زودتر از داخل به خارج انتقال میکند و امروز خارج نشین های مهاجر دیگر از فقر اطلاعاتی رنج نمی برند و کسانی که آرزوی دسترسی به اطلاعات را داشته باشند، میتواند بسرعت از جریانات آگاه شوند. میگویند : سیل (سیر) بین عقل چهل وزیر را دارد. در داخل کسانی که پاهای خود را در بوتهای دیگران می گذارند، به سهولت راه رفته نمیتوانند. شما حق ابراز نظر صدها هزار افغان را که در خارج مقیم هستند، با این سخن تان سلب میکنید و میگوئید که آنها وقتی حق ابراز نظر را دارند که باید نخست به افغانستان بیایند. یا للعجب

Abdul Wassé Bacharyar Said Abdullah Kazem

بلی شما از خارج مشکلات مردم را چطور احساس میکنید بی برقی در زمستان سرد راه بندی ساعت ها در سرک ها فساد اداری در دفاتر محیط زیست آلوده و صد ها مثال دیگر تقلب گسترده در انتخابات پارلمانی من در ده سال اخیر نیز به کابل بودم و از دل مردم بیچاره زیاد میایم که همه از دست ظلم به ستوه آمده اند.

Sophia Omar

برادر ارسلا/ به نظر شما باید بین بد/ بدتر و بدترین یکی را باید حتما انتخاب کرد و راه بیرون رفت ازین سه را نمی بینید؟؟.

Massoud Arsala Sophia Omar

محترمه خانم عمر

سپاس از نظر تان. متاسفانه بنده کسی را که پشتی بانی مردمی داشته باشد و با یکی از احزاب جهادی و یا چپی بسته کی نداشته باشد نمی بینم، آیا شما کدام نسخه بهتر دارید، اگر چنین است لطفا با ما شریک سازید. بلی درست است که انتخاب بین بد و بد تر است اما اگر تفاوت ها این چند سال اخیر را در نظر بگیریم و اگر همسایه های ما بگزارند من باور دارم که آقای غنی و یا هر وطن پرست دگر که رییس دولت باشد می تواند به مردم خدمت کند. دولت ها می آیند و می روند اما این مردم هستند که باید برای آینده ای خود انتخاب کنند.

Said Abdullah Kazem

"بد" یعنی اشرف غنی، "بدتر" یعنی کرزی و حواریونش، "بدترین" یعنی طالب. اکنون اختیار به خود شما ست که کدام یک را انتخاب میکنید!

Mir Ansari Said Abdullah Kazem

محترم ، هر شخصیتی. که در یک انتخابات آزاد و بدون هر نوع تقلب و فریبکاریها از بین مردم انتخاب شد از هر آدرس که باشد من به آن ارج می گزارم

Omar Zia

خانم سوفیه عمر، باید به شما تبریکی موفقیت تان داده شود که توانستید بعضی دوستانان غنی را قناعت بدهید که به " بد " بودن غنی اعتراف نمایند، کسانی که قبلاً غنی را یگانه راه حل همه مشکلات ما میدانستند .

Massoud Arsala Omar Zia

داکتر صاحب ضیا

اگر مقصد کنایه تان بنده باشد من با تمام ایمان داری می گویم که اشرف غنی شاید بهترین رییس جمهور بعد از داکتر نجیب باشد ( داکتر نجیب و کمونستان دگر را اصلاً مقایسه نمی کنم چون در آن زمان مطبوعات آزاد نبود و نمی شود شخص را از چند بیانیه سیاسی شناخت). من هیچ وقت نگفتم و نخواهم گفت که غنی کمی ندارد و بهترین است. من خودم می توانم چندین نقصش را فعلاً برایتان بیان کنم اما متاسفانه کسی دگر را جستجو ندارم که با این اژده های جهادی دست و پنجه نرم کند و تا اندازه پشتیبانی ملی و قومی داشته باشد. و صرف به همین علت از نزد من نمره کامیابی می گیرد. بسیار آسان است که بدون در نظر گرفتن شرایط داخلی وطن از هزار ها مایل دور قضاوت کنیم، داکتر غنی با وجود همه مشکلات هنوز هم توانسته مجاهدین را کنار بزند، خانم خود را در پهلو خود داشته باشد و پایه های اقتصادی وطن تا اندازه استوار کند. در چهار سال که دو سال آن نیز در جنگ با امپراطور شمال و دگر مجاهدین گزشت ازین زیادتر نمی شود توقع کرد. باید بگزاریم تاریخ ربانی، کرزی و غنی را مقایسه بگیرد. مانند همه بزرگان افغان وقتی ایشان نباشند باز همه حسرت او و پیراهن تنبانش را خواهند خورد. فکر می کنم داکتر صاحب کاظم هم تا اندازه هم عقیده من باشد. با عرض حرمت.



Omar Zia Massoud Arsala داکتر صاحب ارسلا ، حضور شما با کمال احترام باید عرض کنم که کلمه "بعضی دوستداران غنی" را قصداً استعمال کردم تا به هیچ کس بر نخورد. به هر حال به افکار و نظر شما در باره آقای غنی خوب واقف استم و احترام میکنم . امید وار استم که شما هم نظر اینجانب در باره آقای غنی را تنها به لباس او خلاصه نسازید. البته باز هم تکرار میکنم که لنگی ، و پتو و پیراهن و تنبان پاکستانی آقای غنی مثل "صلی سلم" گفتن های او به نظر من جز تبارز و فریب مردم چیز دیگر نیست. در حالیکه اگر آقایان قانونی یا ربانی یا عطای نور و یا هم هر طالب و مجاهد و هر هموطن این لباس را در بر کنند به نظر اینجانب قابل درک و احترام است

Sophia Omar

جناب داکتر صاحب کاظم اولتر از همه سلام خدمت تان عرض میکنم.طوریکه جناب محترم عمر ضیا فرموده اند تشکر که از بد بودن اشرف غنی مُهر تائید گزاشته اید. و من طوریکه به جواب جناب ارسلا نوشته ام امیدواری دارم که از چوکات بد/بدتر و بدترین بیرون شده و خوب و ملی را مقابل شویم

Said Abdullah Kazem

شما اگر خوب را درک دارید و در خوبی آن مطمئن هستید، لطفاً آنرا با دلایل موجه آن بنویسید تا دیگران نیز از اوصاف آن خوب شما مطلع شده و به آن خوب شما ارج گذارند. من بارها گفته ام که در شرایط موجود خوب تابع شرایطی است که در کشور جریان دارد و تحت شرایط موجود که مملو از خرابیها است، یافتن خوب یک معما میباشد، لذا "بد" به مقایسه "بدتر و بدترین" باز هم بطور نسبی حکم خوب را دارد. قضاوت ما بطور نسبی است ، نه مطلق. به انتظار معرفی خوب شما. من هیچگاه از اشرف غنی به حیث خوب مطلق یاد نکرده ام، حمایت من از او تابع شرایط موجود به حیث یک بدیل به مقایسه دیگران بوده است یعنی ترجیح بد از بدتر و بدترین ها و این یک انتخاب ناگزیر است، چون بدیل دیگری را در شرایط موجود نمی بینم.

Mir Ansari Said Abdullah Kazem

داکتر صاحب یکی از هموطنان ما و شما در ورجنیا بنام محمد اشرف ایمانی هستند و حتی کاندید احتمالی کرسی ریاست جمهوری بودند اما به نسبت که آقای غنی افراد متقلب و فاسد را در کمیونهای انتخابات به صلاحیت خود تعیین کرد و نام اش را مستقل گذاشت ؟ و بعد شما دیدید که چه رسوائی ها سر بلند کرد از ان سبب ایشان انتخابات را تحریم و طرفدار حکومت مؤقت شدند و آنرا یگانه راه حل دانستند تا جایی که من ایشانرا از نزدیک می شناسم انسان به مراتب بهتر از آقای غنی هستند آیا شما با ایشان معرفت دارید ، و ایشان میگویند که در تمام ولایات افغانستان از نزدیک با مردم دیده اند و دربین مردم اعتبار و شهرت بسیار دارند آیا به نظر شما انسان نسبی بهتر از آقای غنی نیستند !؟

Said Abdullah Kazem

میر صاحب شما در عالم خیال و تصور از انتخابات ازاد، فارغ از هر نوع تقلب و فریبکاری صحبت میکنید، کاش این خواسته ها در شرایط موجود عملی و ممکن می بود، آنوقت من هم با شما همصدا بودم و آرزوی همه تحقق چنان اصول در کشور است. اما متأسفانه که این خواسته ها جز یک آرزومندی چیزی بیش نیست. شما در یک زمستان پر برف و یخبندان از یک درخت بی برگ توقع میکنید که باید حاصلی آن میوه رسیده و با حلاوت و شربین باشد. کشور از هر طرف در منجلا ب فساد غرق است و شما از آن توقع آب زلال را دارید. یک کمی

باید به شرایط و احوال جاری فکر و آنرا در قضاوتهای خود در نظر بگیرید. برایم عجیب است که یکی نظر خود را با تصورات "مدینه فاضله" بیان میکند و دیگری در تصور خود به موجودیت "خوب" می اندیشد، درحالیکه اوضاع کشور از این دو حالت به فرسخ ها دور است. لطفاً به شرایط عینی کشور توجه فرمائید و بر طبق آن نظر دهید که چگونه از این منجلا ب باید رهایی یافت. از ابراز نظرهایی "آرمان گرایانه" و تخیلی و تصویری بگذرید و از آسمان خیال به زمین سخت واقعیت ها پا بگذارید. ما هنوز به مرحله خوب ارتقا نکرده ایم، بلکه در بین بد، بدتر و بدترین ها قرار داریم از بین آنها باید یکی را که قرین به خوب نسبی باشد باید انتخاب و از او حمایت کنم تا امیدواری برای رسیدن به قدمه های بالاتر فراهم گردد.

### Omar Zia

چنین وانمود میشود که این « بد » و « بدتر » و "بدترین" امروز ظهور کرده اند و از هم فرق دارند. در حالیکه این "بد" و « بدتر » درین ۱۹ سال روی پرده ویا عقب پرده در قدرت شریک بودند. این آقای کرزی "بدتر" بود که با انتخابات قلابی، با تقرر اشخاص مثل امرخیل در کمیته انتخابات گوسفند ها را فربه ساخت و این "بد" غنی را رییس جمهور ساخت. و بعداً این « بد » غنی بود که عالی ترین لقب و امتیازات فوق العاده مالی را برای کرزی « بد تر» اعطا کرد. همچنان آیا این "بد" طالبان را مخالفین سیاسی و « بدتر » آنها را برادران ناراضی نخواند. حالا نمیدانم چرا ما ازین جریانات آگاه نیستیم، با وجود آنکه بگفته داکتر صاحب کاظم "خارج نشین های مهاجر دیگر از فقر اطلاعاتی رنج نمی برند و کسانی که آرزوی دسترسی به اطلاعات را داشته باشند، میتواند بسرعت از جریانات آگاه شوند"

### Said Abdullah Kazem

داکتر صاحب محترم ما در اینجا توانائی تصفیه امور در کشور را نداریم، بخصوص آنچه در گذشته های دور و نزدیک صورت گرفته است. وقتی عرض کردم که کشور از مدتها بدینسو در قعر مرداب فساد فرو رفته است و بیرون کردن آن به یکباره گی ممکن نیست و اشخاصیکه این وضع را بار آورده و تاحال بر شدت آن می افزایند، هنوز هم در قدرت میباشند و سعی دارند تا از هر طریق ممکن خود را در قدرت نگهدارند، لذا اگر در این تاریخانه روزنه ای ایجاد شود، این روزنه توجه را بخود جلب میکند و من شخصاً این روزنه را در موجودیت اشرف غنی تشخیص میدهم، آنها بطور نسبی به مقایسه دیگران. هر هموطن حق دارد متفاوت از من فکر کند و به آنچه در نظر شان مناسبتر میرسد، به آن میلان داشته باشد. از اینرو من نظر خود را می نویسم. در این صفحه مجال بسیار جر و بحث نیست و نه وقت آنرا داریم. اگر یگان تبصره صورت میگیرد، محض جهت تبادل افکار است و بس. اینکه جناب شما و یا آقای انصاری و یا دیگران نظریات متفاوت دارند، حق شما و حق آنها است.

### Assadullah Azizian

استاد محترم اگر بازی های سیاسی گذشته امریکا را در خاور میانه افغانستان بررسی شود همه تجربوی و استفاده های شخصی و زود گذر بوده نه گذاشتن یک تهداب اساسی و مستحکم برای دولنداری دایمی معمولاً برای عملی تمدن آن از اشخاص سست عنصر و بیسواد استفاده مینماید تا در تطبیق پالیسی اش خوبتر کند واقع شود چنانچه آوردن مجاهدین بشما اقتضا ح امیز دوماه و چار ماه از بین بردن اردوی منظم با تجهیزات آن بعدا طالبان و غیره و آوردن گلبدین اجنت ای اس ای پاکستان همه ساخته و بافته سیاست گذاران امریکاست بنا ما نباید گله کنیم زیرا عزرائیل پروای بچه مردم را ندارد



## Hafizullah Khaled

بنده به این نظر بوده که اگر یک بار امور کشور بدست طالبان به افتد آنها به چیزی کمتر از همان امارت اسلامی و روایت خاص خود شان از اداره کشور قانع نخواهد بود، اگر دوستان به یاد داشته باشند در اوایل سالهای ۱۹۹۶ نیز یک عده خبرهای را در میان مردم پخش می نمود که طالب ها فقط زمینه ساز آمدن شاه سابق بوده و خود شان به ماندن در قدرت علاقه نداشته ولی بعداً ما دیدیم که روز بروز قدرت خویشرا در کابل استحکام بخشیده روایات خاص خویشرا از اسلام یکی پی دیگر بر مردم تطبیق نموده در موضوع بت های بامیان علی الرغم تقاضا و اصرار سرمنشی ملل متحد یونسکو و رؤسای چندین کشور جهان طالبان حتی یک انچ نیز از پلان و اهداف خویش عقب بر نگشته بت های تاریخی بامیان را تخریب نمودند.

آیا اکنون تضمینی وجود دارد که اینبار باز هم حوادث سالهای ۱۹۹۶ تکرار نخواهد شد، شاید اینبار طالب ها " دو برابر تیز تر باشند" زیرا در آن سالها طالب ها صرف تنظیم های جهادی را از صحنه خارج نموده بود ولی اینبار آنها با دعوای پیروزی بر پنجاه کشور جهان وارد ارگ خواهند شد.

